

خاستگاه

کتاب جامع 12 زبان انگلیسی کنکور

(ویژه پایه دوازدهم) + مرور کامل پایه‌های دهم و یازدهم

ابوالفضل هادی نیا



◆ به نام خدا ◆

۱۲

کتاب جامع

زبان انگلیسی کنکور

+ مرور کامل پایه های دهم و یازدهم

• ابوالفضل هادی نیا

گام به گام تا کنکور ۹۸

هم اکنون به ما بپیوندید:

- دریافت آخرین اخبار، اطلاعات و آزمون های رایگان آنلاین
- دانلود و نصب اپلیکشین خط سفید از طریق:

۱. <http://khatesefid.com/app>



۲.

- و مراجعه به صفحه ویژه کنکوری های ۹۸ در وب سایت خط سفید:

www.khatesefid.com



خاتسفيد

سرشناسه : هادی‌نیا، ابوالفضل، ۱۳۴۱

Hadinia, Abolfazl

عنوان و نام پدیدآور : کتاب جامع کنکور خط سفید/مؤلف هادی‌نیا، ابوالفضل

مشخصات نشر : خط سفید، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری : ۳۶۰ ص : ۲۹×۲۲ س.م.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۳۱-۲۸-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیبای مختصر

شماره کتابشناسی ملی : ۵۲۶۶۶۷۲

کتاب جامع زبان انگلیسی کنکور (ویژه پایه دوازدهم)

مؤلف : ابوالفضل هادی نیا

ویراستار : دکتر ابراهیم رحیمی

صفحه آرا : گروه گرافیک خط سفید

طراح جلد : مرتضی آذرخیل

نوبت چاپ : اول

شمارگان : ۵۰۰۰

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۳۱-۲۸-۲

چاپ و صحافی : دانا

قیمت : ۴۸۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری، بین ۱۲ فروردین و اردیبهشت، پلاک ۱۳۴

۰۲۱-۶۶۴۱۷۶۳۸ ۰۲۱-۶۶۴۱۷۶۹۴

تماس مستقیم با ما: ۰۹۱۰۵۰۰۸۴۲۴

مدیر فروش: ۰۹۱۰۲۰۱۵۲۰۰

سامانه پیام کوتاه: ۱۰۰۰۰۴۴۵



هر گونه کپی برداری کلی و جزئی از این مجموعه شرعاً و قانوناً ممنوع است.



دعای مطالعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خداوند بخشنده ی مهربان

**In the name of God, the
Compassionate, the Merciful**

اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ
پروردگارا! مرا از تاریکی های فکر برون آر.

**Oh Allah, bring me out of the
darkness of misunderstanding.**

وَ أَكْرَمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ
و به نور فهم گرامی دار.

**And honour me with the
light of understanding.**

اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ
پروردگارا! درهای رحمت را بر ما بگشای.

**Oh Allah, open the gates
of Your mercy to us.**

وَأَنْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ
و گنج های دانشت را بر ما بنمای.

**And unfold us the treasury
of Your infinite knowledge.**

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
به امید رحمت تو ای مهربان ترین مهربانان.

**May Your mercy be upon us.
You are All – Merciful.**

فهرست

- **درس اول (Sense of Appreciation)** ۷
 - واژگان ۸
 - گرامر ۳۵
 - درک مطلب ۵۱
 - پاسخ‌نامه تشریحی ۵۷
 - آزمون نمونه درس اول (Sample Test) ۷۶
- **درس دوم (Look it up)** ۸۱
 - واژگان ۸۲
 - گرامر ۱۱۳
 - درک مطلب ۱۲۷
 - پاسخ‌نامه تشریحی ۱۳۴
 - آزمون نمونه درس دوم (Sample Test) ۱۵۷
- **درس سوم (Renewable Energy)** ۱۶۳
 - واژگان ۱۶۴
 - گرامر ۱۹۵
 - درک مطلب ۲۰۹
 - پاسخ‌نامه تشریحی ۲۱۶
 - آزمون نمونه درس سوم (Sample Test) ۲۴۳
- **پیوست ۱: مرور گرامر و واژگان پایه دوازدهم** ۲۴۸
 - پاسخ‌نامه تشریحی ۲۵۶
- **پیوست ۲: مرور گرامر و واژگان پایه دهم** ۲۶۳
 - پاسخ‌نامه تشریحی ۲۸۱
- **پیوست ۳: مرور گرامر و واژگان پایه یازدهم** ۲۹۰
 - پاسخ‌نامه تشریحی ۳۱۲
- **پیوست ۴: کلوز تست‌های تمرینی (Cloze Passages)** ۳۲۰
 - پاسخ‌نامه تشریحی ۳۲۹
- **پیوست ۵: متن‌های تمرینی درک مطلب (Reading Passages)** ۳۳۷
 - پاسخ‌نامه تشریحی ۳۴۹
- **پیوست ۶: فعل‌های گروهی (Phrasal Verbs)** ۳۵۹

پیش‌گفتار

سلام

احتمالاً می‌دانید که به دنبال ارائه سند تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش و تغییرات زیربنایی کتاب‌های درسی، کتاب‌های زبان انگلیسی نیز در مقطع متوسطه اول و دوم تغییرات اساسی کرده است. کتاب‌های کنونی زبان انگلیسی علاوه بر تغییر محتوایی، از نظر تعداد درس‌ها نیز در مقایسه با کتاب‌های قدیم بسیار متفاوتند. مثلاً کتاب پیش‌دانشگاهی نظام قدیم ۸ درس داشت ولی کتاب پایه دوازدهم فقط ۳ درس دارد. ممکن است از خود بپرسید: خوب، این چه اهمیتی دارد؟ اهمیتش در این است که اگر در نظام قدیم می‌خواستید همگام با کتاب درسی برای آمادگی کنکور هم تمرین و مطالعه کنید، کافی بود حداکثر یکی دو هفته صبر کنید تا درس تدریس شده و شما بتوانید سراغ کتاب‌های تکمیلی مانند کتاب‌های آمادگی کنکور بروید. اما کتاب نظام جدید فقط سه درس است و شما اگر از همان ابتدای سال کنکور را نشانه گرفته و بخواهید کار کنکوری را همزمان با شروع سال تحصیلی آغاز کنید، باید حداقل یک ماه و نیم تا دو ماه صبر کنید تا یک درس کامل تدریس شود، چون تست‌ها معمولاً بر اساس محتوای کل درس طراحی می‌شوند و اگر شما قصد داشته باشید زودتر از اتمام درس شروع به تست زنی کنید، به علت اینکه هنوز به کل درس احاطه ندارید در اغلب تست‌ها و گزینه‌ها با واژه‌های ناآشنای زیادی مواجه خواهید شد. کتاب حاضر در رویکردی کاملاً متفاوت به شما این امکان را می‌دهد تا به صورت مرحله‌ای و جلسه به جلسه، همزمان با اولین جلسه کلاس و حتی قبل از آن تست زنی و آمادگی خود برای آزمون‌های رسمی‌تر را شروع کنید. حالا به صورت خلاصه روند کار را برایتان توضیح می‌دهم:

در این کتاب محتوای هر درس شامل واژگان، گرامر، کلوز و درک مطلب در قالب ۷ جلسه، مطابق با تدریس معلم در کلاس طراحی شده است.

• **واژگان:** چهار جلسه اول به واژگان اختصاص دارد. جلسه اول، واژه‌های مربوط به بخش مکالمه، جلسه دوم واژه‌های مربوط به بخش ری‌دینگ و جلسه سوم واژه‌های مربوط به سایر بخش‌های درس (از ابتدای گرامر تا پایان درس و البته واژگان درس مربوطه در کتاب کار) را پوشش می‌دهد. افزون بر این، تست‌های تالیفی هر جلسه در دو سطح طراحی شده‌اند. تست‌های سطح ۱ که نسبتاً ساده‌ترند و تست‌های سطح ۲ که سطح دشواری بالاتری دارند. این تست‌ها تمامی واژه‌های به کار رفته در هر بخش را پوشش داده و به شما کمک می‌کنند به واژگان مربوط به آن جلسه تسلط کامل پیدا کنید.

بخش واژگان یک جلسه چهارمی هم دارد که خود شامل دو قسمت است:

۱- تست‌های ترکیبی از واژگان مهم‌تر کل درس با سطح دشواری ۳، (در حد سؤالات کنکور). این تست‌ها ساختار کمی پیچیده‌تر و کلمات ناآشنای بیشتری در حد سؤالات کنکور دارند. در این تست‌ها، به مشتقات و معنی دوم کلمه توجه بیشتری شده است.

۲- مهارت‌های تقویت واژگان: در این قسمت در ابتدا برای شما توضیح داده‌ام که چگونه می‌توانید با استفاده از بعضی تکنیک‌ها یا مهارت‌ها دامنه واژگان خود را به سرعت افزایش داده یا با کمک آن‌ها به تست‌های واژگان سریع‌تر و راحت‌تر پاسخ دهید. این مهارت‌ها شامل هم‌آیندها، پیشوندها و پسوندها و حدس زدن معنی واژه‌های ناآشنا همراه با دهها تست تالیفی و کنکور است که به ترتیب در درس‌های ۱، ۲ و ۳ ارائه شده‌اند.

• **واژه نامه:** در ابتدای هر جلسه در بخش واژگان، کلیه لغات جدید یا دشوارتر مربوط به همان جلسه همراه با تلفظ، معنی فارسی، کاربرد واژه در جمله، مترادف و متضاد، هم‌آیندها، و اصطلاحات مربوط به آن ارائه شده است تا بدین وسیله ضمن گسترش دامنه لغات، اگر معنی واژه‌ای را هم در تست‌ها نمی‌دانید، با رجوع به این واژه نامه به سهولت پیدا کنید. اکیداً توصیه می‌کنم قبل از رفتن به سراغ تست‌ها، این واژه‌ها را یکبار مرور کنید. چنانچه معنی واژه‌ای را بلدید یا مطمئن شده‌اید که آن را یاد گرفته‌اید، حتماً مربع قبل از سرواژه را پر کنید تا در مرورهای بعدی دقیقاً بدانید که در معنی کدام کلمات مشکل داشته‌اید و فقط سروقت همان‌ها بروید.

تذکر مهم: با توجه به اینکه دبیران محترم معمولاً بعد از دو بخش مکالمه و ری‌دینگ به سراغ بخش گرامر می‌روند، شما نیز می‌توانید جلسه‌های سوم و چهارم واژگان را به بعد از دو جلسه گرامر موکول کنید تا هم مروری دوباره بر واژگان درس داشته باشید و هم اینکه با واژه‌های استفاده شده در این بخش‌ها هنگام تدریس بخش‌های دیگر درس بهتر آشنا شده باشید.

• **گرامر:** جلسه‌های پنجم و ششم به گرامر اختصاص دارند. دلیل اینکه بر خلاف اکثر کتاب‌های مشابه، گرامر را در ابتدای درس نیاوردیم این است که تدریس کلاس با مکالمه و سپس ری‌دینگ شروع می‌شود. از آنجایی که در هر درس دو یا سه موضوع گرامری مطرح شده است، لازم دیدیم آنها را در دو جلسه جداگانه بیاوریم. در هر جلسه ابتدا موضوع گرامری را در حدی که در کتاب شما به آن اشاره شده، بطور کامل توضیح داده‌ام. با توجه به اینکه طراح سؤالات کنکور ممکن است از نکات ریزی که مستقیماً در بحث گرامر مطرح نشده‌اند، اما در گوشه و کنار کتاب مورد استفاده قرار گرفته‌اند نیز سؤال طرح کند، نکته‌های تکمیلی مربوط به هر موضوع را در کادر جداگانه‌ای تحت عنوان «بیشتر بدانیم» بصورت کامل‌تر توضیح

داده‌ام. به‌علاوه، پس از هر مبحث گرامری، تمرین کوتاهی شامل ۵ تا ده سؤال دو گزینه ای آورده‌ام که به شما کمک می‌کند با تمرکز بر یک نکته گرامری خاص، درک دقیق تری از موضوع پیدا کنید. ضمناً با توجه به مشابهت مطالب مطرح شده در بخش Writing با مباحث گرامری، درسنامه آموزشی گرامر عملاً این بخش را نیز پوشش داده است.

پس از درسنامه، تست‌های مربوط به آن موضوع گرامری را به شکل‌های متنوع (با احتمال اینکه ممکن است سؤالات از شکل یکنواخت سنتی خارج شده و به فرم‌های دیگر نیز مطرح شود)، آورده‌ام. یادآور می‌شوم برای تسلط بر هر موضوع گرامری لازم است تست‌های مربوط به هر بخش را با دقت پاسخ دهید و به زمان صرف شده برای پاسخ به آنها توجه نکنید. هر جا به مشکل برخوردید، به پاسخ‌نامه تشریحی مراجعه کرده و توضیح مربوط به آن سؤال را با دقت بخوانید تا به دلیل صحیح یا غلط بودن هر یک از گزینه‌ها پی ببرید. ضمناً در پایان تست‌های مربوط به هر بخش، چند تست از کنکور سال‌های قبل نیز آمده است که به شما کمک می‌کند با نوع سؤالات و دیدگاه طراحان کنکور بهتر آشنا شوید. در قسمت پاسخ نامه، ضمن ترجمه هر جمله، دلیل صحیح یا غلط بودن گزینه‌ها را نیز بطور مفصل توضیح داده‌ام.

در پایان جلسه ششم که مربوط به گرامر است، بخش کوتاه دیگری نیز گنجانده‌ام. این بخش به آن دسته نکات گرامری پرداخته است که موضوع اصلی گرامر درس نیستند، اما از این موضوعات در جای جای کتاب دانش‌آموز و کتاب کار استفاده شده است. از آنجایی که طراحان سؤال کنکور گاهی اوقات به این نکات نیز توجه دارند، آنها را کادر جداگانه ای تحت عنوان «خارج از محدوده» توضیح داده‌ام تا هیچ موضوعی که به نحوی در کتاب به آن اشاره شده است، از قلم نیفتد، ضمن این‌که مثال‌های مربوط به این نکات را نیز از خود کتاب دانش‌آموز یا کتاب کار شما انتخاب کرده‌ام.

بر خلاف کتاب‌های مشابه کنکور، متن‌های تمرینی کلوز را نیز در انتهای بخش گرامر جلسه ششم گنجانده‌ام، چون کلوز در واقع ترکیبی از سؤالات واژگان و گرامر است. ضمناً محتوای اکثر متن‌ها مرتبط با موضوع درس است تا به افزایش دامنه لغت شما کمک بیشتری نماید.

● **درک مطلب:** جلسه هفتم به درک مطلب اختصاص دارد. در این جلسه ابتدا مهارت‌های خواندن و تکنیک‌های پاسخ‌گویی به این سؤالات را همراه با تجزیه و تحلیل یک یا دو متن از کنکورهای سال‌های گذشته توضیح داده‌ام. این تکنیک‌ها بسیار مهمند، هر چند ممکن است عمل به آنها در ابتدا سخت و وقت‌گیر باشد. با کمی تمرین و اعمال این تکنیک‌ها خواهید دید که پاسخ به سؤالات درک مطلب چقدر برای شما آسان خواهد شد. سعی کنید متن‌های درک مطلبی که به دنبال این توضیحات آمده است را بر اساس شیوه ای که توضیح داده‌ام، پاسخ دهید. تکنیک‌های پاسخ‌گویی به سؤالات درک مطلب شامل ایده اصلی متن، سؤالات مربوط به جزئیات متن و سؤالات استنباطی و ارجاعی می‌شود که به ترتیب در جلسه هفتم درس‌های ۱، ۲ و ۳ ارائه شده‌اند.

● **آزمون نمونه:** در پایان هر درس یک آزمون نمونه از همان درس شامل واژگان، گرامر، کلوز و درک مطلب، دقیقاً مشابه سؤالات کنکور آمده است. انجام این آزمون در مدت زمان تعیین شده (۲۰ دقیقه) این‌امکان را به شما می‌دهد تا ضمن آشنایی با نوع سؤالات کنکور، میزان آموخته‌های خود از درس را نیز محک بزنید.

● **پیوست‌ها:** این کتاب شامل ۶ پیوست (ضمیمه) است.

پیوست ۱: تست‌های مروری کل کتاب دوازدهم که ۱۳۰ تست گرامر و واژگان مهم کتاب را شامل می‌شود و به شما کمک می‌کند مرور کاملی از محتوای کتاب داشته و آموخته‌های خود را مرور و بازخوانی کنید.

پیوست ۲: مرور کامل پایه دهم شامل درسنامه موضوعات گرامری کتاب دهم همراه با ۱۶۰ تست تألیفی گرامر و واژگان در سطح سؤالات کنکور

پیوست ۳: مرور کامل پایه یازدهم شامل درسنامه موضوعات گرامری کتاب یازدهم همراه با ۱۵۰ تست تألیفی گرامر و واژگان در سطح سؤالات کنکور

پیوست ۴: شامل ۳۰ متن تمرینی منتخب از کلوزهای کنکور سراسری سال‌های قبل

پیوست ۵: شامل ۱۶ متن تمرینی منتخب درک مطلب از کنکور سراسری سال‌های قبل

پیوست ۶: فهرست کامل فعل‌های گروهی: بیشتر این فعل‌ها در بخش واژگان و تست‌های مربوط به آنها در درس‌های یک تا سه گنجانده شده‌اند، اما با توجه به اهمیتی که در کنکور دارند، در این قسمت نیز بطور یکجا فهرست کاملی از فعل‌های گروهی کتاب‌های پایه‌های هفتم تا دوازدهم ارائه شده است که یاد گرفتن آنها مؤکداً توصیه می‌شود.

در خاتمه لازم می‌دانم از کلیه سروران و همکاران عزیز و ارجمندی که در مراحل مختلف تألیف، تدوین و چاپ کتاب صمیمانه مرا یاری نموده‌اند، بویژه آقایان ابراهیم رحیمی، محسن اسلامی فارسانی، علیرضا سورگی، محمد جلیل زارعی و حمید خسروی که در بازنگری نهایی و رفع اشکالات کتاب نهایت همکاری را داشته‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.

موفق باشید
ابوالفضل هادی‌نیا

Lesson

1

Sense of Appreciation



واژگان:

- جلسه اول: واژه‌نامه و تست‌های تألیفی واژگان (سطح ۱ و ۲) مربوط به صفحات ۱۵ تا ۲۰ کتاب دانش آموز ۸
جلسه دوم: واژه‌نامه و تست‌های تألیفی واژگان (سطح ۱ و ۲) مربوط به صفحات ۲۱ تا ۲۸ کتاب دانش آموز ۱۴
جلسه سوم: واژه‌نامه و تست‌های تألیفی واژگان (سطح ۱ و ۲) مربوط به صفحات ۲۹ تا ۴۲ و درس اول کتاب کار ۱۹
جلسه چهارم: ۱- تست‌های ترکیبی واژگان (سطح ۳) مربوط به درس ۱ کتاب دانش آموز و کتاب کار ۲۶
۲- مهارت‌های تقویت واژگان: هم‌آیندها (Collocations) و تست‌های تألیفی و کنکور ۲۹

گرامر:

- جلسه پنجم: درسنامه و تست‌های تألیفی گرامر (معلوم و مجهول) ۳۵
جلسه ششم: درسنامه و تست‌های تألیفی گرامر (پرسش کوتاه) ۴۱
درسنامه و تست‌های تألیفی گرامر (جمله‌های مرکب) ۴۶
متن‌های کلوز ۴۹

درک مطلب:

- جلسه هفتم: مهارت متن خوانی و تکنیک‌های پاسخ‌گویی به سؤالات درک مطلب (سؤالات مربوط به ایده اصلی متن) ۵۱

پاسخ‌نامه تشریحی:

- آزمون نمونه درس ۱ (Sample Test): ۷۶

Session 1

Vocabulary



- **abroad** /ə'brɔ:d/ (adv) خارج از کشور، خارج
- **appreciation** /ə'pri:ʃi'eɪʃn/ (n) سپاس، قدردانی؛ درک
We gave her some flowers to show our appreciation for her hard work.
SYN thanks, gratitude; understanding
OPP depreciation
Sense of appreciation حس قدرشناسی
appreciate /ə'pri:ʃi:et/ (v) سپاس گزار بودن، قدردانی کردن
- **appropriate** /ə'prɒpriət/ (adj) شایسته، درخور، مناسب
I don't think it's an appropriate time to discuss this problem.
SYN suitable, proper, right, correct
OPP inappropriate
appropriate behavior رفتار مناسب
appropriately /ə'prɒpriətli/ (adv) به طور مناسبی
- **babysitting** /'berbɪsɪtɪŋ/ (n) بچه داری
She earns her pocket money by doing babysitting.
babysit /'berbɪsɪt/ (v) بچه نگهداشتن
- **behavior** /bɪ'heɪvɪə/ (n) رفتار، کردار
He was sent out of the class for bad behavior.
SYN actions, activities, manners
behave /bɪ'herv/ (v) رفتار کردن
- **boost** /bu:st/ (v, n) کمک، تقویت، افزایش؛ بالا بردن، تقویت کردن، افزایش دادن
What can we do to boost her confidence?
SYN increase, improve, make better, advance
OPP damage
- **by the way** /baɪ ðə weɪ/ (phr) راستی
By the way, I found that book you were looking for.
- **catch** /kætʃ/ (v) گرفتن، دستگیر کردن
How many fish did you catch?
SYN get, have, take
catch the flu آنفولانزا گرفتن
- **center** /'sentər/ (n) مرکز، کانون
We moved the table to the center of the room.
SYN middle
Medical Center مرکز پزشکی
central /'sentrəl/ (adj) مرکزی
- **close** /kloʊs/ (adj) نزدیک، دقیق، صمیمی
Our new house is close to the school. ♦ Take a close look at this photograph.
SYN near, dear, loving
close friend دوست صمیمی
- **cruel** /'kru:əl/ (adj) سنگدل، بی‌رحم، ظالم
I hate people who are cruel to animals.
SYN unkind, unpleasant
OPP kind
- **dedicated** /'dedɪkeɪtɪd/ (adj) فداکار، از خود گذشته

She is a hard-working and dedicated teacher.

- SYN** devoted
dedicated physician پزشک فداکار
dedicate /'dedɪkeɪt/ (v) وقف کردن، اختصاص دادن
- **diploma** /dɪ'plɒmə/ (n) دانش‌نامه، دیپلم
- **distinguished** /dɪ'stɪŋgwɪʃt/ (adj) برجسته، ممتاز، سرشناس
Mahmoud Farshchian is a distinguished painter.
SYN notable, famous, well-known, famous
OPP undistinguished
a distinguished poet شاعر سرشناس
distinguish /dɪ'stɪŋgwɪʃ/ (v) فرق گذاشتن، تشخیص دادن
- **donate** /'doʊneɪt/ (v) [پول، خون، غیره] دادن، اهدا کردن
She regularly donates blood.
SYN give, offer
donate blood خون اهدا کردن
donation /doʊ'neɪʃn/ (n) بخشش، اهدا
- **elderly** /'eldərli/ (adj) پیر، سالخورده، سالمند
An elderly couple live next door.
SYN old, aged
elderly people افراد سالمند
the elderly سالمندان
- **flu** /flu:/ (n) سرما خوردگی، آنفولانزا، گریپ
I didn't go to school because I had flu.
SYN influenza, cold
terrible flu سرما خوردگی شدید
- **found** /faʊnd/ (v) تأسیس کردن، بنیاد نهادن
The company was founded 60 years ago.
SYN start, establish, originate
foundation /faʊn'deɪʃn/ (n) موسسه، بنیاد
- **friendly** /'frendli/ دوستانه، صمیمانه
- **function** /'fʌŋkʃn/ (n, v) کارکرد، عملکرد؛ عمل کردن
The function of the heart is to send blood around the body.
SYN purpose, role, job, task; work
brain function کارکرد (عملکرد) مغز
functional /'fʌŋkʃənəl/ (adj) کاربردی، مفید
- **generous** /'dʒenərəs/ (adj) با سخاوت، بخشنده
His mother is a generous woman.
SYN kind, openhanded, giving, charitable
generously /'dʒenərəsli/ (adv) سخاوتمندانه
- **go through** /gəʊ θru:/ (v) بررسی کردن، تجربه کردن
I always start the day by going through my email.
SYN examine, read, look through, check
go through the names بررسی کردن اسامی
- **grandchildren** /'grænd'tʃɪldrən/ (n) نوه‌ها
We love looking after our grandchildren.
- grandchild* /'græntʃaɪld/ (n) نوه
- **helpful** /'helpfl/ (adj) سودمند، مفید

- homeland** /'hoomland/ (n) میهن، وطن
- improve** /ɪm'pru:v/ (v) بهتر کردن یا شدن، بهبود یافتن
- increase** /ɪnkrɪ:s/ (v) زیاد کردن یا شدن، افزودن، افزایش یافتن
- ۱۲۷
- kindness** /'kaɪndnəs/ (n) مهربانی، لطف، محبت
I really appreciate your kindness.
- SYN** humanity, helpfulness
OPP cruelty
- loving** /'lʌvɪŋ/ (adj) عاشقانه، بامحبت، محبت آمیز
She's very loving with her little brother.
loving parents والدین با محبت
- lower** /'ləʊə/ (v) پایین آوردن، کم کردن
Please lower your voice. I can hear you.
- SYN** reduce, decrease
OPP raise
- medical** /'medɪkl/ (adj) پزشکی، طبی
My mother is seriously ill and needs medical care.
medical school دانشکده‌ی پزشکی
- medicine** /'medɪsn/ (n) پزشکی، دارو
My sister studies medicine at Tehran University.
♦ *Have you taken your medicine?*
- pain** /peɪn/ (n) درد
A broken leg can cause a lot of pain.
- SYN** ache, hurt
physical pain درد جسمی
- painful** /'peɪnfl/ (v) دردناک، آزار دهنده
- physician** /fɪ'zɪʃn/ (n) پزشک، طبیب
You should consult your physician before beginning any new exercise program.
- SYN** doctor, medical doctor
personal physician پزشک شخصی
- pity** /'pɪti/ (n,v) ترحم، دلسوزی، مایه تأسف؛ متأسف بودن برای
It's a pity that you can't come to the party.
- SYN** misfortune; feel sorry for
It's a pity حیف (که)
"What a pity!" چه حیف (که)
- positive** /'pɒzətɪv/ (adj) مثبت، مفید، سازنده، مطمئن
SYN affirmative, helpful, certain
OPP negative, uncertain
positive attitude نگرش مثبت
- pressure** /'preʃər/ (n) فشار
- professor** /prə'fesə/ (n) استاد، پروفیسور
She's a chemistry professor at Tehran University.
- SYN** university lecturer
assistant professor استادیار
- regard** /m'gɑ:rd/ (v,n) نگاه کردن، به شمار آوردن؛ توجه، احترام
I've always regarded you as my friend.
- SYN** look, think, consider, see, relate to; respect
regard somebody highly برای کسی احترام زیاد قائل شدن
in/with regard to در خصوص، راجع به
in this/that regard در این خصوص، در این باره
- regretful** /rɪ'gretfl/ (adj) متأسف، پشیمان
He was very regretful and apologised for his behavior.
regret /rɪ'gret/ (v) متأسف بودن، پشیمان شدن
- select** /sɪ'lekt/ (v,adj) برگزیدن، انتخاب کردن؛ منتخب گلچین
He was selected to play for the national team at the age of only 18.

- SYN** choose, pick
selected pictures تصاویر برگزیده
a select group of poets یک گروه شاعر برجسته
- sense** /sens/ (n) حس، ادراک، فهم، معنی، مفهوم
I like him – he has a great sense of humor.
♦ *Sarah has a strong sense of responsibility.*
- SYN** feeling, intelligence; meaning
sense of appreciation حس قدرشناسی
the five senses حواس پنجگانه
a sense of humor حس شوخ طبعی
sensitive /'sensətɪv/ (adj) حساس، زود رنج
- spare** /sper/ (v) مضایقه کردن؛ کنار گذاشتن، اختصاص دادن
He spared no effort to make her happy.
- SYN** give up; do without
spare no pains doing/to do از(هیچ کاری) مضایقه نکردن که
spare /sper/ (n) اضافی، یدکی، (وقت) اضافه
- strength** /streŋθ/ (n) نیرو، توانایی، قدرت، توان
She didn't even have the strength to stand up.
- SYN** power, force
OPP weakness
physical strength قدرت بدنی
strong /stro:ŋ/ (adj) نیرومند، قوی، پرزور
- successful** /sək'sesfl/ (adj) موفق، موفقیت آمیز
He was a successful businessman before becoming a writer.
- SYN** winning, victorious, doing well
OPP unsuccessful
a successful mission یک ماموریت موفقیت آمیز
succeed /sək'si:d/ (v) موفق شدن، از عهده برآمدن
successfully /sək'sesfəli/ (adv) با موفقیت، به خوبی
- such** /sʌtʃ/ (determiner, pron) چنان، چنین، یک چنین
- sure** /ʃʊə/ (adj, adv) مطمئن، مسلم، خاطر جمع، قطعی
- SYN** certain, certainly, all right, absolutely
OPP uncertain
- surprisingly** /sə'rpraɪzɪŋli/ (adv) با کمال تعجب
The exam was surprisingly easy. ♦ *Not surprisingly on such a hot day, the beach was crowded.*
- SYN** amazingly, shockingly, unexpectedly
Not surprisingly جای تعجب نیست که ...
surprising /sə'rpraɪzɪŋ/ (adj) شگفت آور
surprise /sə'rpraɪz/ (n,v) تعجب، شگفتی؛ متعجب کردن
- take care of** /teɪk keə dv/ (v) مواظبت کردن
- teenager** /'ti:neɪdʒər/ (n) نوجوان
There's not much for teenagers to do around here.
- SYN** young person, young adult, adolescent
- temperature** /'temprətʃər/ (n) دما، درجه حرارت؛ تب
He's in bed with a temperature of 40°.
- SYN** hotness, heat, warmthy fever
take temperature درجه حرارت کسی را اندازه گرفتن
- terrible** /'terəbl/ (adj) سخت، شدید، وحشتناک
Their son has been injured in a terrible accident.
- SYN** very bad, awful
OPP wonderful
terrible flu آنفولانزای شدید
terribly /'terəbli/ (adv) خیلی، شدیداً، بد جوری
- textbook** /'tekstbʊk/ (n) درسی، کتاب درسی
Let me take a look at your biology textbook.
- SYN** schoolbook, course book



1. As I had a terrible in my chest, I decided to go to the emergency room.
1) accident 2) pain 3) sense 4) flu
2. She felt a deep of pride whenever she worked hard and got a good mark on her test.
1) sign 2) set 3) sound 4) sense
3. In our culture, it's common to give up our seat to a(n) or disabled person if they require it.
1) selected 2) religious 3) moral 4) elderly
4. There was a choice of four prizes, and the winner could one of them.
1) generate 2) select 3) distinguish 4) boost
5. We are planning to hold a ceremony to celebrate the 50th anniversary of the of the company.
1) donating 2) boosting 3) founding 4) generating
6. I felt that it was not a(n) time to mention the subject of money.
1) appropriate 2) valuable 3) useful 4) spare
7. She's a(n) painter because her pictures are shown in the most famous galleries worldwide.
1) ordinary 2) successful 3) dedicated 4) generous
8. I remember with deepest appreciation the of these dear friends and the happy days I spent with them.
1) function 2) wisdom 3) success 4) kindness
9. Exercise is helpful for every part of the body, including the mind. "Helpful" means
1) necessary 2) important 3) useful 4) natural
10. Mahmud Dolat Abadi is an Iranian novelist whose novels have been translated into many languages.
1) distinguished 2) dedicated 3) generous 4) regretful
11. My mother always showed me and my sister plenty of understanding and kindness.
1) close 2) loving 3) terrible 4) serious
12. The five we normally use are sight, smell, hearing, taste and touch.
1) senses 2) skills 3) feelings 4) functions
13. Mother Teresa was a kind woman who all her life to helping the poor in India.
1) founded 2) dedicated 3) regarded 4) appreciated
14. you couldn't come; I especially wanted you to meet my friend Sina.
1) Not surprisingly 2) That's interesting 3) By the way 4) It's a pity
15. Since my mother was the newborn baby, I actually had a peaceful sleep tonight.
1) regarding 2) babysitting 3) going through 4) bringing up

16. He no pain to make her happy again.
1) experienced 2) burst 3) spared 4) gained
17. You are two close friends. Please do not quarrel about such small things. The word “close” in this sentence is the synonym of
1) dear 2) kind 3) old 4) polite
18. I’m not that I left school at the age of 16. I think it was the right choice for me at that time.
1) pity 2) surprised 3) regretful 4) responsible
19. I don’t like to keep birds in a cage; it seems to prevent them from flying around.
1) moral 2) pity 3) cruel 4) regretful
20. As she became sicker, the patient’s began to climb higher.
1) condition 2) temperature 3) function 4) pressure
21. The husband gave his wife a bunch of flowers as a way to express his for all that she does for the family.
1) emotion 2) description 3) appreciation 4) dedication
22. I think we’ve discussed everything we need to;, what time is it?
1) it’s a pity 2) at least 3) by the way 4) actually
23. We are very fortunate to have such highly skilled and workers in our factory.
1) generous 2) surprising 3) distinguished 4) dedicated
24. It’s possible, though rare, for humans to diseases from animals.
1) take 2) bring 3) make 4) catch
25. Someone has been my papers because they’re all over my desk.
1) going along 2) going through 3) looking back 4) looking after
26. If you want to save lives without spending any money, do the kind thing and blood.
1) generate 2) replace 3) donate 4) dedicate
27. The sellers agree that the house is in need of repairs and have decided to their price.
1) increase 2) follow 3) boost 4) lower
28. Buying the house seemed a great idea at the time, but now I can see it was a(n) mistake.
1) terrible 2) accidental 3) similar 4) common
29. A place or building which is used for a particular purpose or activity is called a
1) location 2) committee 3) center 4) laboratory
30. He burst into tears, asked her to him and promised to give back everything he had stolen.
1) donate 2) boost 3) appreciate 4) forgive



31. Even though I received a(n) vaccination, I still became sick with a lighter form of the illness.
 1) blood 2) flu 3) medical 4) terrible
32. When Beethoven started composing music, his sense of was poor and got worse until he was completely deaf.
 1) appreciation 2) humor 3) hearing 4) importance
33. Although few knew of her greatness during his lifetime, Van Gog is now as one of the best painters.
 1) boosted 2) identified 3) dedicated 4) regarded
34. After the Ottoman Empire ended, the Republic of Turkey was with its capital in Ankara.
 1) selected 2) donated 3) founded 4) dedicated
35. The teacher called Nima's parents to discuss his poor and what could be done to improve his attitude.
 1) behavior 2) function 3) knowledge 4) result
36. We often take medicine and receive vaccinations to our immune system, making it stronger than it is by itself.
 1) go through 2) care for 3) lower 4) boost
37. The different parts of the body will do their efficiently if they have enough of the right kind of food and exercise.
 1) situations 2) behaviors 3) functions 4) activities
38. The generous old woman decided to donate half of her possessions to a cancer charity. The word "generous" means
 1) having a duty 2) willing to give freely
 3) having a strong belief in God 4) well known and respectable
39. Although I bought the cheap dress at a discount store, it is well-made.
 1) accidentally 2) surprisingly 3) hopefully 4) lovingly
40. After the operation, he spent several weeks relaxing and gaining
 1) strength 2) experience 3) confidence 4) insight
41. The elderly woman was known for being kind, as she lovingly children in her home for many years.
 1) cared for 2) spared no pains 3) went through 4) got along with
42. Few people really their ability to walk, only seeing how blessed they were once the ability is gone.
 1) boost 2) dedicate 3) distinguish 4) appreciate
43., with youth unemployment so high, some school-leavers with qualifications fail to find jobs. Which of the following words CANNOT be used in this sentence?
 1) Not surprisingly 2) Unfortunately 3) Accidentally 4) Naturally

44. The least we can do for the elders is to..... them for all that they've gone through and learn from their insight into situations.
1) deserve 2) inspire 3) confirm 4) appreciate
45. They look so similar that it's often difficult to distinguish one from the other. The word "distinguish" in this sentence is closest in meaning to
- 1) recognize 2) compare 3) select 4) describe
46. She donated a large sum of money to an institute for research into the causes of heart diseases.
1) locate 2) found 3) dedicate 4) select

- actually /'æktʃuəli/ (adv) عملاً، در واقع، واقعاً
- again and again /ə'geɪn ən ə'geɪn/ (phr) بارها، به کرات
I've told you again and again not to do that.
SYN repeatedly, often, frequently, over and over
- all the time (phr) همیشه
It's a very good restaurant. We go there all the time.
SYN always, continuously
- along with همراه با، به اضافه
She keeps her pills in her bag, along with her money.
SYN with, together with
- aloud /ə'laʊd/ (adv) (با صدای) بلند
She read the poem aloud to the class.
SYN loudly, in a loud voice
OPP silently, quietly
loud /laʊd/ (adj) (صدا) بلند
- at all /æt ə:l/ (phr) اصلاً، ابتدا
He doesn't know anything at all about computers.
SYN in any way, by any means
- at least /æt li:st/ (phr) حداقل، اقلماً
You should brush your teeth at least twice a day.
SYN as a minimum, no less than
OPP at most
- burst into /bɜ:rst 'ɪntu/ (phr v) شروع به ... کردن
Suddenly, the students burst into laughter.
SYN begin, start on
OPP break off
burst into tears زیر گریه زدن
burst /bɜ:rst/ (v) ترکیدن، منفجر شدن
- calmly /'kɑ:mli/ (adv) به آرامی، با ملایمت، با خونسردی
She reacted surprisingly calmly to the news of his father's death.
SYN peacefully, unemotionally, unexcitedly
OPP excitedly, wildly
calm /kɑ:m/ (adj) آرام، ساکت، خونسرد
- care for /ker fɔ:t/ (phr v) مراقبت کردن از؛ به فکر ... بودن
She moved back home to care for her elderly parents.
SYN look after, take care of; like, want, wish
OPP neglect
- classmate /'klæsmeɪt/ (n) هم کلاسی
- collocation /,kɑ:lə'keɪʃn/ (n) [زبان‌شناسی] هم‌نشینی
'Do exercise' and 'take action' are English collocations.
- combination /,kɑ:m'bɪ'neɪʃn/ (n) ترکیب، مخلوط
The building is a combination of new and old styles.
SYN mixture
in combination with در ترکیب با
combine /'kɑ:mbeɪn/ (v) آمیختن (v)

- comprehension /,kɑ:mprɪ'hɛnʃn/ (n) فهم، درک
There are exercises for checking comprehension.
SYN understanding
comprehension strategy مهارت درک مطلب
comprehend /,kɑ:mprɪ'hend/ (v) فهمیدن، درک کردن
- cry /kraɪ/ (n, v) فریاد، داد؛ فریاد زدن، داد زدن، گریه کردن
- dear /dɪr/ (adj) عزیز، نازنین، گرانقدر، ارجمند
Behzad is one of my dear friends.
SYN beloved, good, near
- description /dɪ'skrɪpʃn/ (n) شرح، تعریف، وصف، توصیف
I gave the police a description of the thief.
SYN explanation, report
short/full/complete description توصیف کوتاه، کامل
describe /dɪ'skraɪb/ (v) شرح دادن، توصیف کردن
descriptive /dɪ'skrɪptɪv/ (adj) توصیفی
- development /dɪ'veləpmənt/ (n) پیشرفت، گسترش، توسعه
SYN growth, increase, improvement
vocabulary development افزایش واژگان
develop /dɪ'veləp/ (v) توسعه یافتن یا دادن
- diary /'daɪəri/ (n) دفتر خاطرات، خاطرات، دفتر یادداشت
I decided to keep a diary of our trip to Mecca.
- each /i:tʃ/ (det, pron) هر یک، هر کدام
He gave a present to each of the children.
SYN every, every one
each time هر دفعه
- feed /fi:d/ (v) خوراک دادن، غذا دادن، (تغذیه) دادن
The baby's crying; I'll go and feed her.
SYN give food to, provide for, nourish
- follow /'fɔ:ləʊ/ دنبال کردن، پیروی کردن
Follow me please. I'll show you the way.
OPP go after, go behind, go along; be a fan of
as follows به قرار زیر، به شرح زیر
The opening hours are as follows...
follower /'fɔ:ləʊər/ (n) پیرو، مرید، طرفدار، هوادار
- forgive /fər'grɪv/ (v) ... بخشیدن، عفو کردن، گذشت کردن
I can't forgive him for behaving like that.
Forgive me. معذرت می‌خواهم، پوزش می‌خواهم.
forgiveness /fər'grɪvnəs/ (n) عفو، بخشش، گذشت
- generate /'dʒenəreɪt/ (v) تولید کردن، ایجاد کردن
The new car factory will generate a lot of jobs in the area.
SYN make, produce, create, cause
generator /'dʒenəreɪtər/ (n) مولد برق، ژنراتور
- generation /,dʒenə'reɪʃn/ (n) زایش، ایجاد، تولید؛ نسل
Oil is still the main material that is used for the generation of electricity.

- SYN formation, creation, production, making**
question generation ساخت سؤال
- **hearing** /'hɪrɪŋ/ (n) شنوایی، حس شنوایی، سامعه
She lost her hearing when she was a child.
hard of hearing تقریباً کر، سنگین گوش
- **hug** /hʌɡ/ (v) بغل کردن، در آغوش گرفتن
She hugged her parents and said goodbye.
- SYN hold close, embrace**
- **kindly** /'kændli/ (adj, adv) با مهربانی، مهربانانه؛ مهربان
The teacher spoke to the student kindly, without any anger in her voice.
- SYN nicely, gently, helpfully**
- OPP cruelly, angrily; cruel**
- **kiss** /kɪs/ (n, v) بوسیدن، روبوسی کردن؛ بوسه
I always kiss the kids before they go to school.
kiss goodbye بوسیدن و خداحافظی کردن
- **lap** /læp/ (n) بغل، دامن، کنار
The little girl was sitting on her mother's lap.
- SYN knee, knees**
on/in somebody's lap روی پاهای، روی زانوهای، در دامن
laptop /'læptɒp/ (n) کامپیوتر کوچک (که می‌شود روی زانوها قرار داد)
- **location** /loo'keɪʃn/ (n) محل، جا، مکان
His apartment is in a really good location.
- SYN site, place, position**
locate /'looket/ (v) قرار دادن، قرار داشتن، جای - را پیدا کردن
- **look back** (phr v) به گذشته برگشتن، پشت سر خود را نگاه کردن
It wasn't such a bad experience when I look back on it.
- **lovingly** /'lʌvɪŋli/ (adv) با محبت، عاشقانه
I watched the mothers looking lovingly at their babies.
- **main** /meɪn/ (adj) اصلی، مهم، عمده
My main reason for learning new skills is to get a better job.
- SYN most important, major, chief**
main idea ایده اصلی
- **meaningful** /'mi:nɪŋfl/ (adj) با معنی، معنی دار، قابل فهم
What she said was not very meaningful to me.
a meaningful look/smile نگاه/لبخند معنی دار
mean /mi:n/ (v) به معنی ... بودن، معنی دادن، قصد داشتن
meaning /'mi:nɪŋ/ (n) معنی، مفهوم، مقصود، منظور
- **mistake** /mɪ'steɪk/ (n) اشتباه، خطا، غلط
make a mistake اشتباه کردن
- **normal** /'nɔ:nl/ (adj) طبیعی، عادی، متعارف، معمولی
- **object** /'ɔ:bʒɪkt/ (n) چیز، شیء
I found a black object in his pocket.
- SYN thing, item**
- **on the other hand** (adv. phr) از طرف دیگر
Jim wanted to go to the movies; his wife, on the other hand, wanted to stay home and read.
- SYN in contrast**
on the one hand از یک طرف
- **pause** /pɔ:z/ (n, v) درنگ، مکث، درنگ کردن، مکث کردن
Anita paused for a moment, then said: 'All right'.
- SYN silence, break, stop,**
- OPP continue**
- **pigeon** /'pɪdʒɪn/ (n) کبوتر، کبوتر
What a beautiful little pigeon!
a wild pigeon کبوتر چاهی، کبوتر چاهی

- **point** /pɔɪnt/ (n) نکته‌ی اصلی، مطلب اصلی، منظور، مقصود
important point نکته مهم
- **politely** /pə'laɪtli/ (adv) مؤدبانه
- **possible** /'pɔ:səbl/ (adj) ممکن، احتمالی، محتمل، شدنی
possible answer پاسخ محتمل
- **process** /'prəʊses/ (n) فرآیند، جریان، روند، پروسه
Repetition can help the learning process.
- SYN procedure, course, steps**
normal/complex process فرآیند طبیعی/پیچیده
in the process در جریان کار، در حین کار
process (v) (کامپیوتر) پردازش کردن، (غذا، مواد خام) فراوری کردن
- **provide** /prə'vaɪd/ (v) تهیه کردن، تأمین کردن، در اختیار گذاشتن
A healthy diet should provide all your necessary nutrients.
- SYN give, offer, make available**
- **quantity** /'kwɒntəti/ (n) میزان، اندازه، مقدار، کمیت
Computers can process large quantities of data.
- SYN amount, number, measure, size**
- **quiet** /'kwaɪət/ (adj) آرام، ساکت؛ بی سرو صدا، بی هیجان
SYN calm; silent
- OPP noisy**
quietly /'kwaɪətli/ (adv) به آرامی، بی سرو صدا
- **rather than** /'ræðər ðæn/ (phr) تا، تا این که، به جای این که
I think I'd like to stay at home this evening rather than go out.
- SYN instead of**
- **record** /rɪ'kɔ:rd/ (n, v) یادداشت، یادداشت کردن، ثبت کردن
You should record all the events during your trip.
- SYN write down, make a note, keep a note**
- **repeatedly** /rɪ'pi:təbli/ (adv) مکرراً، بارها
His doctor had repeatedly warned him not to work so hard.
- SYN again and again, frequently**
repeat /rɪ'pi:t/ (v) تکرار کردن
- **reply** /rɪ'plai/ (n, v) پاسخ، جواب، پاسخ دادن، جواب دادن
I try to reply to letters the day I receive them.
- SYN answer, respond**
- **score** /skɔ:t/ (n, v) امتحان و غیره | نمره، نمره گرفتن یا دادن
I got a higher score than Reza on the chemistry test.
- SYN grade, mark**
- **shout** /ʃaʊt/ (n, v) فریاد، فریاد زدن، داد زدن
Dad really shouted at me when I broke the window.
- SYN cry**
- **sofa** /'soʊfə/ (n) کاناپه، نیمکت مبلی
- **sound** /saʊnd/ (n, adj, v) به نظر رسیدن
Are you okay? You sound tired.
- SYN seem, look, appear noise; safe, healthy**
sound /saʊnd/ (n) صدا
sound /saʊnd/ (adj) سالم
- **starter** /'stɑ:tət/ (n) شروع کننده، آغازگر؛ پیش غذا
The students' own experiences can be a useful starter for discussion.
question starter آغاز کننده سؤال
- **suddenly** /'sʌdnli/ (adv) ناگهان، به طور ناگهانی
Her husband died suddenly at the age of 64.
- SYN all of a sudden, unexpectedly, rapidly**
- OPP gradually, little by little**
sudden /'sʌdn/ (adj) ناگهانی، غیر منتظره، فوری

- tear** /tɪr/ (n) گریه
Mary suddenly burst into tears and ran out.
burst into tears زیر گریه زدن
- text** /tekst/ (n) متن، نوشته، متن درسی
textbook /'tekstbʊk/ (n) کتاب درسی
- thought** /θɔ:t/ (n) ایده، فکر
I'd like to hear your thoughts on the subject.
SYN idea, belief, opinion
thoughtful /'θɔ:tfʊl/ (adj) متفکر، متفکرانه، عمیق، جدی
- unnatural** /ʌn'nætʃrəl/ (adj) غیر طبیعی، غیر عادی
It was very cold, which was unnatural for late spring.
SYN not natural, abnormal, unusual, strange

- OPP** natural, normal
unnatural death مرگ غیر طبیعی
- vase** /veɪs/ (n) گلدان
- whereby** /wer'baɪ/ (adv) از طریق آن، طبق آن، به موجب آن
They've passed a law whereby all children receive free education.
SYN by which, with the help of which
- while** /waɪl/ (n) مدت، زمان
I'll be back in a little while.
SYN time, period, a period of time
in a little while خیلی زود
for a while برای مدتی
while /waɪl/ (conj) در حالی که، هنگامی که

تست های واژگان جلسه ۲ - سطح ۱



● Choose the one word or phrase that best completes the sentence.

47. It was hard for her to control her when she saw her sister for the first time in 20 years.
 1) sense 2) pressure 3) emotions 4) balance
48. His strength, his speed, have made him a very great sportsman.
 1) by means of 2) the same as 3) rather than 4) along with
49. That restaurant's food is delicious and their prices are low. However, their isn't good.
 1) function 2) location 3) combination 4) description
50. Most teachers use a of modern and traditional methods for teaching a foreign language.
 1) combination 2) situation 3) solution 4) generation
51. I think we need to talk about this calmly and try to make a wise decision together. "Calmly" means
 1) interestingly 2) repeatedly 3) hopefully 4) peacefully
52. My mother cut us a thick piece of birthday cake that was big enough to both of us.
 1) reply 2) provide 3) feed 4) forgive
53. The lecturer to drink a glass of water, and then continued with his speech.
 1) allowed 2) lowered 3) repeated 4) paused
54. A: Do you remember much about the accident? B: No, it all happened so
 1) suddenly 2) calmly 3) seriously 4) terribly
55. You can never be absolutely sure what someone is thinking, as it is impossible to read the of another person.
 1) choices 2) conditions 3) behaviors 4) thoughts
56. I know what he did was wrong but don't you think it's time to and forget?
 1) follow 2) forgive 3) donate 4) kiss

57. The loud and awful noise coming from the freezer told us that something was it.
1) based on 2) responsible for 3) similar to 4) wrong with
58. I work in a friendly environment since most workers always speak to everyone and help each other when needed.
1) kindly 2) aloud 3) quietly 4) by heart
59. The human brain communicates with the body It is still a mystery for scientists.
1) on time 2) all the time 3) each time 4) at times
60. In order to reduce pollution, we need to make more use of the energy the sun and the wind.
1) dedicated to 2) brought up 3) located in 4) provided by
61. If you the step-by-step instructions in this booklet, you will have no trouble using the dishwasher.
1) choose 2) follow 3) combine 4) replace
62. His doctor had repeatedly warned him not to work so hard. "Repeatedly" means
1) definitely 2) mostly 3) frequently 4) responsibly
63. The president promised to new jobs in the area, but none have been created so far.
1) locate 2) generate 3) record 4) forgive
64. Milad studies extremely hard because he wants to get the best possible test
1) score 2) fact 3) choice 4) record
65. Ali was so interested in learning French, but he lost interest in his studies.
1) each time 2) by the way 3) after a while 4) on the other hand
66. We need to create some sort of system people can communicate with each other.
1) along with 2) whereby 3) at least 4) while
67. She told herself again and again that everything would be all right. "Again and again" means
1) regularly 2) repeatedly 3) countlessly 4) particularly
68. He left the job because of money; that was the main reason.
1) at least 2) in other words 3) on the other hand 4) by the way
69. I waited for a in the conversation and then asked my question.
1) while 2) point 3) pause 4) starter
70. A is a book in which you write down important or interesting things that happen to you each day.
1) diary 2) booklet 3) record 4) collection
71. of the passage required the student to read the text several times.
1) Communication 2) Generation 3) Selection 4) Comprehension
72. I had to wait for the company's for a long time, but it was worth it.
1) function 2) choice 3) reply 4) belongings



73. She tried not to cry at her aunt's funeral, but she couldn't hold back the
- 1) tears 2) results 3) laughter 4) emotions
74. I think the child has gained the confidence from having a warm and family.
- 1) loving 2) selected 3) important 4) regretful
75. My friend David was badly burned in the accident. The doctors say that recovery from these injuries will be a long and painful
- 1) function 2) process 3) strategy 4) combination
76. He looked at me and raised his eyebrow in a(n) way, but I'm not sure what he was trying to say to me.
- 1) indirect 2) inappropriate 3) enjoyable 4) meaningful
77. The guard showed humanity when he broke the rules and allowed the prisoner to her daughter.
- 1) bow 2) hug 3) face 4) forgive
78. Because of technology over the last fifteen years, people are now able to video chat with each other on the other side of the world.
- 1) generation 2) function 3) quantity 4) development
79. This recipe is only for four, so I usually double the if I'm cooking for my family.
- 1) belongings 2) products 3) quantity 4) process
80. Sarah had written about her daily life inside her that was later found among her books.
- 1) diary 2) heritage 3) poems 4) thoughts
81. Traditional methods of electricity create a considerable amount of pollution.
- 1) experiment 2) process 3) generation 4) quantity
82. She tried to happy, but I could hear the anxiety in her voice.
- 1) sound 2) face 3) signal 4) follow
83. Weather stations contain instruments that temperature, rainfall, the speed and direction of wind, air pressure, and humidity.
- 1) provide 2) combine 3) record 4) generate
84. Stop talking You are distracting me from my work.
- 1) at least 2) aloud 3) at all 4) repeatedly
85. It had been a clear night. It was a moonlit night and the girl saw her attacker clearly, so she was able to give the police a pretty accurate of him.
- 1) identity 2) quantity 3) description 4) location
86. You say you're lonely and bored, but you never go out anywhere!
- 1) by the way 2) as follows 3) it's a pity 4) on the other hand